

## تحلیل آموزه های قرآن و تورات در ارتباط با فرزندآوری و افزایش جمعیت

دکتر کرم سیاوشی<sup>۱</sup>

ندا سلوهای فر<sup>۲</sup>

حسین حاتم‌علی علاء‌گاری<sup>۳</sup>

### چکیده

زادو ولد از ابتدای خلقت انسان و فرستادن او به روی این کره خاکی مورد توجه بوده و خداوند به تمامی امت های قبل از پیامبر اکرم ﷺ همچون : یهود و مسیح توصیه های در ارتباط با زایش و افزایش نسل دارد. آنچه در این نوشتار با عنوان افزایش جمعیت در سبک زندگی دینی و به روش توصیفی تحلیلی، از نوع بررسی تطبیقی بین ادیان آسمانی مورد بررسی قرار گرفته است تحلیل مطلوبیت افزایش جمعیت و فرزندآوری از منظر آموزه های قرآن و تورات است. در این نوشتار ابتدا آیات مربوط به موضوع افزایش جمعیت از قرآن کریم و تورات استخراج و دسته بندی شده و سپس با مراجعه به تفاسیر و شروح متعدد ، دیدگاه ادیان آسمانی در رابطه با موضوع مورد بحث احصاء شده است. یافته های این بررسی نشان می دهد که اولاً نظر قرآن کریم تورات به عنوان منشأ و اساس ادیان الهی نسبت به فرزند آوری و تکثیر اولاد مثبت است ، ثانیاً زندگی با

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان() - karam.siyavoshi@yahoo.com

<sup>۳</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، neda\_atashrooz\_88@ymail.com

<sup>۲</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ، ، hatamin22@gmail.com

فرزند صالح فواید و آثار مثبتی در پی دارد که از مهم ترین آنها کمک و دستاری والدین ، ادامه دهنده ی راه والدین، پاداش خداوند، به بندگان خاص خود را می توان شمرد.

**کلیدواژه ها:** افزایش جمعیت ، فرزندآوری ، قرآن ، تورات

### طرح مسأله

یکی از نکات مشترک در آموزه های ادیان آسمانی سفارش به زاد و ولد و ازدیاد پیروان است. البته در دوران ظهور ادیان با عنایت به تأثیر نیروی انسانی در در آمد زایی و دفاع از حریم خاندان و سرزمین، این سفارش کاملاً منطقی و معقول بوده است. مسلم است که مذهب در ازدیاد جمعیت یا کنترل آن تأثیر بسزایی دارد. «رابطه جدا نشدنی بین مذهب و باروری تحت تأثیر عوامل مختلف و در دوره های مختلف به اثبات رسیده است» (شیخی، ۱۳۷۹ ص ۱۷۴)

با توجه به اینکه موضوع افزایش جمعیت و فرزند داری در سبک زندگی دینی به الگویی شایسته نیاز دارد ، بررسی نظر دو دین اسلام و یهود به عنوان شریعی که از تعالیم و برنامه مفصل برخوردارند، در این رابطه حائز اهمیت فراوان می باشد.

دغدغه مهم پژوهش حاضر این است که آیا می توان از آموزه های دینی به عنوان مشوق های فرزندآوری بهره برد؟ اصلاً رویکرد دین به موضوع جمعیت چیست؟  
روش تحقیق این مقاله نیز توصیفی تحلیلی می باشد، بدین صورت که آیات مربوط به موضوع ازدیاد نسل از قرآن کریم و تورات استخراج و دسته بندی شده و سپس با مراجعه به تفاسیر و شروح متعدد ، دیدگاه ادیان آسمانی در رابطه با موضوع مورد بحث احصاء شده است.  
پیش از طرح مسأله اصلی پژوهش ، توضیح مختصری از مفاهیم کلیدی آن، از جمله نظریه افزایش جمعیت ، باروری و اهمیت آن در قرآن و تورات ارای می گردد.

### ۱. نظریه افزایش جمعیت

جمعیت و ابعاد آن، نقطه مرکزی هر نظام اجتماعی محسوب می شود . تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می کند و منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه ها می شود (صادقی، ۱۳۸۸).

حامیان افزایش جمعیت معتقدند: افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری ایجاد نمی کند، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می نماید. برخی از اقتصاددانان، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی فنون تولیدی و در نتیجه، رشد و پیشرفت اقتصادی می دانند (کلاتری و صادقی ده چشمه، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

رشد جمعیت حاصل تفاوت باروری و مرگ و میر به اضافه خالص مهاجرت جمعیت بین المللی می باشد و از میان عوامل مذکور باروری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از این رو، سیاست های جمعیتی در دنیا به طور عمده حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می شود (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰، ۹). در این نوشتار آیاتی که دال بر مطلوبیت افزایش نسل است و مسلمانان را به فرزندآوری و تکثیر و تکثر اولاد تشویق می کنند مؤید نظریه افزایش جمعیت است.

## ۲. باروری

باروری یکی از وقایع چهارگانه حیاتی است و از آنجا که در افزایش یا کاهش جمعیت به طور مستقیم تأثیرگذار است به عنوان مهمترین عامل حرکت زمانی جمعیت شناخته می شود. سابقه زاد و ولد انسانی به پیدایش اولین انسانها برمی گردد و از این رو سابقه ای طولانی به قدمت خود انسان دارد. این مفهوم در کتب آسمانی قرآن و عهد عتیق به وفور مشاهده می شود یکی از دلایل ضرورت باروری و فرزندآوری حفظ نسل و بقای انسان است. تمام موجودات براساس غریزه طبیعی برای حفظ نسل خود به تناسل مشغول هستند. انسان نیز علاوه بر غریزه بر مبنای فطرت و عقل به بقای نوع خود توجه دارد. (اجلال، نگاه اسلام به کنترل نسل، تبیان) در سبک زندگی دینی این ضرورت از طریق ازدواج و فرزندآوری پاسخ داده می شود. بنابراین هر اقدامی که از تناسل جلوگیری کند مخالف فطرت انسان است. بنابر این تعریف و با توجه به وضعیت بیولوژیک زن و مرد هدفی جز تولید نسل و باقی گزاردن نسل منظور نبوده است و باقی احکام مربوط به روابط زن و مرد از قبیل احکام رعایت عفت، زناشویی، اختصاص داشتن زوجه به زوج، احکام طلاق، عدّه، اولاد، ارث و ... هم بر اساس همین واقعیت وضع شده است. (طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷) که در این قسمت به اهمیت آن و برخی احکام آن از دیدگاه دو دین یهود و اسلام اشاره می شود.

## ۱.۲. باروری و اهمیت آن در قرآن:

با بررسی آیات قرآن در می یابیم رویکرد آن نسبت به باروری همواره بر افزایش جمعیت بوده است؛ تا آنجا که در بسیاری از کتب دینی در این خصوص احکام و فرامینی صادر شده است. در قرآن کریم شکل گیری نطفه، باروری و زایمان انسان ها از نشانه های قدرت خداوند ذکر شده است (طارق: ۶-۴؛ قیامت: ۴۰-۳۷) که به خواست و اراده خداوند محقق می شود (واقعه: ۵۸-۵۷؛ فاطر: ۱۱؛ غافر: ۶۷). هرچند جوانی و تندرستی از عوامل مهم باروری قلمداد می شود، اما براساس آیات قرآن کریم چنانچه این امر به فرما ن خدا باشد، در سالخوردگی نیز می تواند محقق گردد. (آل عمران: ۴۰-۳۹) همچنین آنچه واجد اهمیت شناخته می شود، افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است. (کیانی، باروری در قرآن، شماره ۷۳ و ۷۴ ص ۱۲۳)؛ چنانکه بر اساس آیات قرآن افزایش تعداد جمعیت نمی تواند عاملی برای فقر محسوب گردد و دلیلی برای جلوگیری از باروری باشد. (أنعام: ۱۵۱. إسرائ: ۳۱)

## ۲.۲. باروری در تورات

اهمیت و ارزش باروری در تورات هم شامل مردان و هم زنان می شده و چنانچه مرد و زنی فاقد این توانایی بود، در جامعه با مشکلات بسیاری مواجه می شدند. بنابر عقیده مذهبی یهودیان، ازدواج باعث تسلسل بنی اسرائیل و مانع محو شدن آنها می شود. چنانکه در کتاب «فراماسونری و یهود» آمده است که یکی از پراهمیت ترین مراسم دین یهود، ازدواج است که برای ازدیاد نسل و قوم بنی اسرائیل، مهمترین عامل شناخته شده و اجابت آن بر هر یهودی واجب است و ازدواج نکردن با وجود استطاعت مالی و جسمی و بچه دار نشدن در مرام یهودیان گناه شمرده می شود. (گروه تحقیقات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۵). دین یهود بی فرزندی را مذموم و باروری را تشویق کرده است. این دین تولید مثل و تجدید نسل را در قالب فرامین مذهبی مورد تاکید قرار داده است « (شیخی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷). از داستانها و روایات تورات چنین برمی آید که باروری مهم ترین عامل ازدواج با زنان محسوب می شد. بر این اساس، زنانی که توانایی باروری را داشته، عزیز و گرامی بودند و در عوض زنی که نازا بود جایگاه استواری در خانواده نداشت؛ لذا در کتاب مزامیر حضرت داود (ع) آمده است که: « خداوند با بخشیدن فرزندان به زن نازا او را خوشحال و سرافراز می سازد (مزامیر، زمور ۱۱۳؛ آیه ۹)

از طرف دیگر، مردانی که نمی توانستند تولید مثل کنند با مشکلات زیادی مواجه بودند. توانایی تولید مثل برای مردان آنقدر مهم بود که اگر مردی این قدرت را نداشت، نه تنها در خانواده برایش دردسرها فرین می شد بلکه در مراسم مذهبی نیز با مشکل روبرو بود. در آیات عهد عتیق می خوانیم مردانی که توانایی تولید مثل ندارند نباید در «جماعت خداوند» حاضر شوند. (کیانی، مطلوبیت کثرت نفوس و...، شماره ۶۷ و ۶۸، ص ۱۵۳)؛ هم چنین در

این دین آمده است: « اگر مردی بدون فرزند بمیرد، واجب است برادرش با همسر بیوه او ازدواج کند و با به وجود آوردن فرزندی بقای نام او را تأمین سازد». اما اگر فرزندی داشته باشد و یا اگر برادر شوهرش خاخام باشد این تکلیف از او ساقط می‌گردد. (ماضی، محمد، ۱۳۸۱، ۲۹۱)

در ادامه باید خاطر نشان کرد که در تورات به صراحت، از عواملی که باعث کنترل جمعیت می‌گردد منع شده است. به طور مثال در این کتاب آمده است، اکلن پسر یهود برای اینکه بیوه برادرش فرزندی نیاورد از جماع منقطع با او استفاده کرد! لذا خداوند بر او خشم آورد و در موضعی دیگر از تورات آمده است که: هیر، پسر بزرگ یهود ب خاطر حفظ زیبایی همسرش از جماع منقطع استفاده کرد و مورد سرزنش قرار گرفت. (شهبازیان، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

با این تفاسیر معلوم می‌شود که در بین قوم یهود، هدف ازدواج بیشتر متوجه رشد جمعیت است. و هم چنین باروری در عهد عتیق یک مزیت و امتیاز محسوب شده و نازایی و انقطاع نسل به عنوان مشکلی اساسی برای افراد محسوب می‌شده است.

### ۳. ازدیاد نسل در ادیان آسمانی

#### ۱.۳. ازدیاد نسل در عهد عتیق

«اکثر ادیان (به ویژه ادیان الهی) طرفدار افزایش نفوس بوده، ازدیاد نسل و تکثیر اولاد را تشویق و جلوگیری از آن را غالباً نهی کرده‌اند. اعتقاد به بی حد و حصر بودن مواهب و نعم الهی و احترام به مخلوق پروردگار، منشأ این نظر و تمایل به شمار رفته است. قدیمی‌ترین نوشته در این زمینه در عهد عتیق (تورات) آمده است.» (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۳۲). در این کتاب با رویکردی مساعد و مثبت نسبت به افزایش جمعیت یهودیان روبرو هستیم؛ چنانکه اولین فرمان کتاب مقدس به حضرت آدم در سفر پیدایش چنین است:

«و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید.» (پیدایش: باب ۱ آیه ۲۸) بر اساس این آیه، فرمان ازدیاد نسل، نیمی از وظیفه بشر و نیم دیگر آن، تسلط بر زمین بوده است.<sup>۴</sup> توماس مک‌الوین، ازدیاد نسل اولین فرمان تورات، سایت قدس آنلین)

توصیه خداوند به کثرت نفوس به حضرت آدم خلاصه نمی‌شود بلکه او در سراسر کتاب تورات از دیگر پیامیان و برگزیدگان خود می‌خواهد تا بر تعداد قوم شان بیفزایند.

<sup>۴</sup> - توماس مک‌الوین، عقاید شیعه در کتاب مقدس سخنرانی‌های لندن: ازدیاد نسل اولین فرمان تورات، ترجمه احمد عبدا...زاده مهنه، گفتگو با سایت قدس آنلین، ۲ تیر ۱۳۹۳، کد مطلب: ۲۲۴۸۱۲

«خدا، نوح و پسرانش را برکت داد و به ایشان فرمود: بارور و زیاد شوید و زمین را پر سازید.» (پیدایش، ۱: ۹) و نیز:

«و اما شما [نوح] فرزندان زیاد تولید کنید و زمین را پر سازید» (پیدایش، ۷: ۹)

در کتاب پیدایش می خوانیم که خداوند بر حضرت یعقوب (ع) ظاهر می شود و از او می خواهد بارور و زیاد شوند:

«پس از آنکه یعقوب از بین النهرین وارد بیت عیث شد، خدا بار دیگر بر وی ظاهر شد و او را برکت داد. به او فرمود: بعد از این دیگر نام تو یعقوب خوانده نشود، بلکه نام تو اسرائیل خواهد بود. من هستم خدای قادر مطلق. بارور و زیاد شو. ملل زیاد و پادشاهان بسیار از نسل تو پدید خواهند آمد. سرزمینی را که به ابراهیم و اسحاق دادم، به تو و به نسل تو خواهم داد. سپس خدا از نزد او به آسمان صعود کرد» (پیدایش، ۹: ۳۵-۱۵)

### ۱.۱.۳. ازدیاد نسل پاداش خداوند به بندگان خاص

در عهد عتیق بارها، افزایش فرزند و ازدیاد نسل به عنوان پاداش خداوند، به بندگان خاص خود ذکر شده که این مزیت باعث اهمیت و اعتبار آنان و قومشان نسبت به دیگران می شده است:

«ابرام به خاک افتاد و خدا به وی گفت: من با تو عهد می بندم که قوم های بسیار از تو به وجود آورم. از این پس نام تو ابرام نخواهد بود بلکه ابراهیم؛ زیرا من تو را پدر قوم های بسیار می سازم. نسل تو را زیاد می کنم و از آنها ملت ها و پادشاهان به وجود می آورم.» (پیدایش، ۳: ۱۷-۶)

می دانیم که حضرت ابراهیم (ع) از نعمت داشتن فرزند محروم بود اما خداوند پس از عنایت نمودن فرزندی چند به آن حضرت، نام وی را از «ابرام» که به معنی «پدر سرافراز» بود به «ابراهیم» یعنی «پدر قومها» تغییر داد... «فرمود: من خدای قادر مطلق هستم. از من اطاعت کن و آنچه راست است به جا آور. با تو عهد می بندم که نسل تو را زیاد کنم» (پیدایش، ۱: ۱۷-۲)

و نیز:

«خداوند به ابرام فرمود: با دقت به اطراف خود نگاه کن. تمام این سرزمین را که می بینی تا ابد به تو و نسل تومی بخشم. نسل تو را مانند غبار زمین بی شمار می گردانم. برخیز و در سراسر این سرزمین که آن را به تو می بخشم، بگرد» (پیدایش، ۱۵: ۱۳-۱۷)

خداوند این پاداش را به پیامبران دیگری نیز ارزانی داشته و به آنها نوید داده است تا نسلشان را برکت داده و تعدادشان را زیاد کند. به طور مثال در سفر پیدایش از ازدیاد نسل اسحاق سخن به میان آمده:

«نسل تو [اسحاق] را چون ستارگان آسمان بی شمار خواهم گردانید و تمامی این سرزمین را به آنها خواهم داد و همه ملل جهان از نسل تو برکت خواهند یافت» (پیدایش، ۲۶:۴)

### ۲.۳. ازدیاد نسل در قرآن کریم

قرآن کریم به صراحت درباره تکثیر نسل سخن نگفته، ولی بعضی از آیات به ازدواج و آمیزش جنسی اشاره کرده‌اند که لازمه‌اش ایجاد نسل و فرزند است. مثلاً آیه: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ [نور / ۳۲]» یعنی مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر را به نکاح یکدیگر درآورید. گرچه در این آیه با صراحت بیان نکرده که ثمره این ازدواج بچه دار شدن است اما در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِي شَيْئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» (۲۲۳ بقره)، برخی مفسران طبق این آیه غرض از ازدواج را بطور عمده تولید مثل و زاد و ولد، دانسته‌اند (قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص: ۳۵۴) همچنانکه به نظر برخی مفسران مقصود از «قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» طلب فرزند است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص: ۵۶۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص: ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷ ش؛ ج ۱، ص: ۴۱۲) و در جای دیگر خطاب مستقیم به مردها دارد که: «فَانكحوا ما طاب لكم من النساء [نساء / ۳]» با زنان پاک ازدواج کنید که بازهم لازمه این ازدواج بچه دار شدن و ایجاد نسل است.

در ادامه به منظور بررسی ازدیاد نسل، به مطالعه آیات قرآن کریم پرداخته شده با توجه به اینکه در قرآن کریم الفاظی از قبیل اولاد، ذریه، ولد، غلام و... فراوان یافت می‌شود، به نظر می‌رسد تنها آیه‌ای که به طور مستقیم به زیادی نسل اشاره کرده همان آیه ۲۲۳ سوره بقره باشد و آیه‌ای که به صراحت تقطیع نسل را منع و سرزنش کرده آیه ۲۹ سوره عنکبوت که می‌فرماید:

«أَأَنْتُمْ لِنَاتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ»

هم‌چنین در ذیل نمونه‌هایی از آیات در خصوص فواید فرزند داشتن مطرح می‌شود که بطور ضمنی بر ازدیاد نسل دلالت می‌کند.

### ۱.۲.۳. فطری بودن تمایل به فرزندآوری

از جمله موارد اثبات مطلوبیت فرزند و فطری بودن آن، این نکته است که انسان‌هایی که از داشتن فرزند محروم هستند، درصدد برمی‌آیند که برای خود فرزندخوانده‌ای فراهم کنند. قرآن در این زمینه بیانی دارد که به آن اشاره می‌شود: کسی که یوسف (ع) را در مصر خرید، به همسرش سفارش او را کرد و گفت: «وَأَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا» (یوسف: ۲۱) از این جمله چنین استفاده می‌شود که عزیز مصر فرزندی

نداشت و در اشتیاق فرزند به سر می برد، هنگامی که چشمش به این کودک زیبا و برومند افتاد، دل به وی بست که جای فرزند او باشد.

### ۲.۲.۳. منع قرآن از قطع بقای نسل

اصولا طبیعت زن و مرد آن چنان آفریده شده است که آرامش و اشباع سالم خود را در علاقه به جنس مخالف (از طریق ازدواج سالم) می بینند، و هر گونه تمایلات جنسی در غیر این صورت، انحراف از طبع سالم انسانی و یک نوع بیماری روانی است که اگر به آن ادامه داده شود روز به روز تشدید می گردد و نتیجه اش بی میلی به "جنس مخالف" و اشباع ناسالم از طریق "جنس موافق" است. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۷) در آیه ۲۹ عنکبوت حضرت لوط قومش را بر قطع راه بقای نسل انسان، توسط آنها سرزنش می کند: **أَتُنكَّمُ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَ تَقَطَّعُونَ السَّبِيلَ** - آیا شما به طرف مردان می آئید و راه تناسل را قطع می کنید؟!

مراد از اتیان رجال، قطع سبیل است و مراد از قطع سبیل، اهمال گذاشتن طریق تناسل، و لغو کردن آن است، چون راه تناسل عبارت است از نزدیکی و جماع با زنان، و قوم لوط این راه را قطع نمود، و آن را لغو کردند، پس تعبیر به قطع سبیل کنایه است از اعراض از نسوان و ترک مقاربت با آنان (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق. ج ۱۶، ص: ۱۲۳) و قطع نسل آینده است؛ زیرا قوم لوط با با مردان ازدواج نموده و از زنها فاصله می گرفتند و به این سبب نسل آینده قطع خواهد شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۴) هم چنین در آیه ۲۰۵ سوره بقره یکی از کارهایی که منافقان بعد از به حکومت رسیدن انجام می دهند و مصداق همان فساد در زمین است از بین بردن نسل و اهلاک آن است چنانکه مفسران در تفسیر این آیه « **وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ** ». گفته اند حرث "به معنی زراعت، و "نسل" به معنی اولاد است، و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می شود، بنا بر این هلاک کردن حرث و نسل به معنی از میان بردن هر گونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۴) در معنی حرث و نسل، تفسیرهای دیگری نیز ذکر شده از جمله اینکه: منظور از "حرث" زنانند، به قرینه آیه شریفه **(نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ)** و منظور از "نسل" فرزندان. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۴؛ مراغی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱) یعنی طاغوت ها، نظام خانواده و تربیت فرزندان را نابود می کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۴) بنابراین هر اقدامی که از تناسل جلوگیری کند، مخالف فطرت و طبیعت آدمی است. طبق آیات شریف قرآن، خلقت و بقای نوع انسانی، بر اساس زوجیت شرعی تحقق می یابد.<sup>۵</sup>

<sup>۵</sup>. نساء / ۱.



### ۳.۲.۳. ازدیاد نسل، هدف اصلی ازدواج

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان یکی از فواید و حکمت‌های ازدواج را از دیدگاه قرآن کریم، بقای نسل انسان و حفظ حیات نوع بشر می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵) در مجموع بر اساس نگرش دینی یکی از فوائد ازدواج، ازدیاد نسل و تداوم آن است؛ یکی از آیاتی که مفسران در آن غرض از ازدواج را بطور عمده تولید مثل و زاد و ولد، دانسته‌اند (قرائتی ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵۴) آیه ۲۲۳ بقره است که می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِي شَيْئُكُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» «خداوند از زنان به عنوان کشتزار و از مردان به عنوان کسی که بذر در اختیار دارد و آن را می‌کارد، یاد کرده است که ثمره آن فرزند خواهد بود که جمله «وقدموا لانفسکم» بیانگر آن است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۱۲)

این آیه در مقام بیان مسئله زناشویی و تولید نسل برای بقای نوع انسان، مرد را مانند کشاورز بذرافشان و زن را چون کشتزاری می‌داند که نطفه مرد در رحم او رشد می‌کند و زن با تولید فرزند مایه بقای نسل آدمی است. برای تأکید بر حفظ نسل که هدف اصیل عمل زناشویی است، واژه «حرت» در آیه تکرار شده است. خداوند برای ترغیب به هدفدار کردن آمیزش جنسی می‌فرماید که از رهگذر مباشرت با زنانان فرزندان شایسته‌ای برای آخرت خود بفرستید، پس تولید مثل و بقای نسل مهم است؛ ولی فرزند نیز باید سودمند و صالح باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷)

قرآن کریم هنگام بیان رابطه زناشویی بین زن و مرد، زن را کشتزار می‌نامد؛ نه فقط محلی برای ارضای غریزه جنسی: (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ). براین اساس، وجود زن برای تولید نسل و حفظ و بقای نوع انسان است و کردار شوهر با زن، در مقام تولید نسل باید مانند رفتار کشاورز با کشتزارش، برای تولید مثل باشد، پس آیه مورد بحث، در مقام بیان سهم زن در تولید و حفظ نسل است و تکرار «حرت» به جهت اهمیت مسئله نسل و تأکید بر آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۰۰)

این آیه در ادامه بیان احکام نکاح است و محل آمیزش جنسی را بیان می‌کند که خدا در همبستر شدن با زنان بدان امر کرده است و آن، کشتزار زنان یعنی رحم است، چون هدف اصیل از آمیزش، تولید مثل است و تنها رحم، کشتزار بارور کردن نطفه مرد و بقای نوع انسان است.

خدای حکیم در (فَاتُوا حَرْثَكُمْ) به هدف اصیل عمل زناشویی یعنی حفظ نوع انسان فرمان داده و با تکرار کلمه «حرت» و نیاوردن ضمیر، بر اهمیت سهم زن در تولید و حفظ نسل تأکید کرده است. همچنین به دلیل (فَاتُوا حَرْثَكُمْ) مراد از (انّی) در (انّی شَيْئُكُمْ) باید مباشرت با زنان از محل پیدایش نسل و کشتزار باشد و (وقدموا لانفسکم) که کنایه از تولید فرزند صالح است، مؤید لزوم مباشرت از همان محل است. (جوادی

آملی، همان) از آن جا که هدف از خلقت انسان، عبادت باری تعالی است: «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶)، بقای نسل صالح منجر به ابقای ذکر خداوند و یاد پروردگار می شود. «و نکتب ما قدموا و آثارهم» (یس، ۱۲) و ثواب و خیر پدر و مادر هم به فرزندان صالح و هم به آباء آن ها می رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱)

### ۴.۲.۳. ازدیاد نسل، موهبتی الهی

قرآن زاد و ولد موجودات را لطف و مرحمت خدا و نشانه ای از قدرت لایتناهی او میخواند. این موضوعی است که در آیات بدان اشاره شده است.

از نظر قرآن، فرزند نعمت و موهبت الهی برای والدین است (انعام / ۸۴ تا ۸۷؛ نحل / ۷۲؛ انبیاء / ۶۹ و ۷۲) و بر هر انسانی است که شاکر این نعمت باشد. (نحل / ۷۲) پس از نظر قرآن و اسلام، فرزند داشتن یک ارزش است و این ارزش هنگامی واقعی است که در مسیر تعالی انسان و انسانیت باشد و خود و فرزند را به سوی خدایی شدن و دست یابی به خلافت الهی انسان رهنمون سازد.

### ۵.۲.۳. فرزند، یاری رساننده به پدر و مادر

از جمله فواید داشتن فرزند، دستیاری والدین است که در قرآن کریم در آیات مختلف به آن اشاره شده است و آن را بیان داشته است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (الإسراء / ۶) و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد. یا در جای دیگر می فرماید: «أَمْدَكُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ» (الشعراء / ۱۳۳) با چهارپایان و فرزندان یاریتان کرده است. در سوره نوح می فرماید: «وَيُؤَدِّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (نوح / ۱۲) و به وسیله اموال و فرزندان یاریتان می کند در این آیات خداوند متعال خطاب به گروه های مختلف انسانی، داشتن فرزند را به عنوان کمک و دستیار والدین معرفی نموده است.

داشتن فرزند برای والدین همانند داشتن نیروی انسانی است که می تواند در کارها و مسئولیتها پدر و مادر را کمک و طری رساند. در آیه (وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً) (نحل / ۷۲) خداوند برای شما از همسرانتان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائجتان استعانت بکنید و با دست آنان مکاره و ناملایمات را از خود دور سازید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۹)

### ۶.۲.۳. داشتن فرزند صالح، آرزوی پیامبران

<sup>۶</sup> و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی قرار داد (النحل: ۷۲)

فرزند نعمتی الهی است؛ همچنان که نیازی فطری نیز هست لذا بشر همواره آرزوی فرزند داشتق و بقای نسل داشتق است. ادیان الهی این امر فطری را نه تنها نهی نکرده بلکه به داشتن آن تشویق نیز نموده اند. قرآن نیز به این مسئله اشاره کرده و از این خواسته فطری حمایت می کند. از این رو یکی از دعاهای افراد حتی پیامبران، داشتن فرزند است؛ چنانکه حضرت ابراهیم(ع) در سن پیری (حجر/۵۴-۵۱، صافات/۸۳ و ۱۰۱) و نیز حضرت زکریا(ع) در کهنسالی (آل عمران/۳۸-۳۹؛ مریم/۲ تا ۷) خواهان فرزند شده اند و خداوند دعاهای ایشان را مستجاب نموده و به ایشان فرزندانی عنایت نموده است(همان آیات)

نکته مهمی که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، توجه به زاد و ولد انسان های شایسته و مؤمن است. به عبارت دیگر آن چه که اهمیت دارد، افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است. در سوره اعراف، به خلقت اولین انسان و اولین بارداری اشاره شده است. بر اساس آیه ۱۵ این سوره، حضرت آدم و حوا از خداوند متعال خواهان فرزند صالح و نیکوکار هستند:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»

؛ او خدایی است که(همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیسایید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند، اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!

قرآن کریم هم چنین در مورد حضرت زکریا(ع) می فرماید:

« وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ » (انبیاء/۸۹)

و زکریا را یاد کن آن هنگام که پروردگار خویش را ندا داد، پروردگارا مرا تنها مگذار که تو از همه بازماندگان بهتری در جای دیگر می فرماید :

« هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً » (آل عمران / ۳۸)

در آنجا بود که زکریا، (پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می شنوی.

قرآن کویم از استجابت دعای حضرت زکریا برای طلب فرزند اینگونه یاد می کند:

( فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ هَبْنَا لَهُ يَحْيَى ) (انبیاء/۹۰)

پس دعا در طلب فرزند شایسته و نیکو یکی از ویژگی های بندگان خاص خدا است و نشان می دهد پدر و مادر برای داشتن فرزند صالح حتی قبل از تولد هم باید دعا کنند. هم چنین از آیات فوق می توان برداشت کرد که :

اولاً داشتن فرزند سالم و صالح از آرزوهای هر زن و مردی است (اعراف: ۱۸۹) و شکر و سپاس نعمت فرزند داشتن آن است که به درستی او را تربیت کرده و به جامعه هدیه کنند تا خود و جامعه از مواهب فرزند صالح آن بهره مند شوند. (اعراف / ۱۸۹ و ۱۹۰) ثانیاً درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست و ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنهاست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵) و اینکه خود فرزند عطیه الهی است: « وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ » (همان، ج ۷، ص ۴۹۲)

### ۷.۲.۳. اولاد، ادامه دهنده راه والدین

از فواید فرزندآوری و تکثیر اولاد - در صورتی که صالح باشند و متناسب با دستورات دینی تربیت شوند - این است که ادامه دهنده راه والدین، به ویژه پدر خواهند بود.

طبق برخی آیات (صافات / ۱۰۰) نخستین تقاضای حضرت ابراهیم از خدا فرزند صالحی بود که بتواند خط رسالت او را تداوم بخشد و برنامه های نیمه تمامش را به پایان برساند اینجا بود که عرض کرد: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات / ۱۰۰)؛ پروردگارا! به من از صالحان [فرزندان صالح] ببخش! قابل توجه اینکه یک جا ابراهیم خودش تقاضا می کند که در زمره صالحان باشد، چنان که قرآن از قول او نقل می کند: رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ: " پروردگارا! به من علم و دانش مرحمت فرما، و مرا به صالحان ملحق کن " (شعراء / ۸۳).

و در اینجا تقاضا می کند که فرزندان صالح به من مرحمت فرما، چرا که صالح وصفی است جامع که تمام شایستگی های یک انسان کامل در آن جمع است . خداوند نیز این دعا را مستجاب کرد، و فرزندان صالحی همچون " اسماعیل " و " اسحاق " به او مرحمت فرمود، چنان که در آیات بعد همین سوره می خوانیم: « وَ بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ » ما او را بشارت دادیم به تولد اسحاق پیامبری از صالحان. و در مورد اسماعیل می گوید:

« وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِدْرِيسَ وَ ذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ »

و اسماعیل و ادريس و ذا الكفل را به یاد آور که همه از صابران بودند، و ما آنها را در رحمت خود وارد کردیم چرا که از صالحان بودند (انبیاء / ۸۶ و ۸۵). (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۰۴)

هم چنین دعای حضرت زکریا که در قسمت قبل مورد بحث قرار گرفت این مضمون را تأیید میکند . حضرت زکریا آرزوی داشتن فرزندی را دارند که صالح باشد و راه ایشان را ادامه دهد . (آل عمران / ۳۸) در واقع فرزند صالح، بهترین یاور در مسیر حرکت خانواده به سوی خداست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹) درخواستی که در آیات از جانب این پیامبران مطرح می شود خود نشان دهنده عظمت و فضیلت وجود فوزندان صالح در زندگی

انسان است که چگونه پیامبران الهی آن را از خداوند به کرات درخواست می‌کنند. از طرفی استفاده آیات از لفظ بشارت برای فرزند دار شدن این پیامبران، نشان از اهمیت این موضوع است همانطور که مشهود است در این آیات فرزند صالحی که ادامه دهنده راه پدر و مادر باشند، آرزوی پیامبران الهی شمرده شده است.

### ۸.۲.۳. فرزند صالح، مایه چشم روشنی عباد الرحمن

داشتن فرزند صالح دارای چنان ارزشی است که انسان برای داشتن آن باید همواره دست به دعا باشد و از درگاه خداوند درخواست نماید تا فرزندانی صالح و سالم به او ببخشد (اعراف، ۱۸۹ احقاف، ۱۵)

در آیه ۷۴ سوره فرقان در وصف عباد الرحمن تصریح شده که بندگان خدا در دعای خویش می‌گویند:

« وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ »

آنان که می‌گویند: ای پروردگار ما! همسر و فرزندانمان را نور چشم ما قرار بده.

این تعبیر (نور چشم) رمز کمال و سعادت است، چرا که همسر و فرزند نیک موجب آرامش و سعادت انسان شده و روح و روان انسان را شاد نموده و باعث روشنی چشم خواهد شد.

به عبارت روشن‌تر، همسر و فرزندان شایسته، به زندگی انسان نور و صفا می‌بخشند و باعث آبرو و روسفیدی و سر بلندی در دنیا و آخرت می‌گردند.

علاوه بر آن، فرزند صالح و سالم، از مصادیق باقیات صالحات است (فرقان؛ ۶۳ و ۷۴) و پاداش کارهایی شایسته‌ای که فرزند صالح انجام می‌دهد برای والدین او نیز نوشته می‌شود و از خدمات نیک او، والدین هم سود می‌برند. جامعه سالم نیز نیازمند فرزندان سالم و صالحی است که در خانواده‌های صالح و سالم رشد می‌کنند.

#### نکته:

بحث از «چشم روشنی» در قرآن، در داستان حضرت موسی علیه السلام هم آمده است. وقتی حضرت موسی علیه السلام متولد شد، به الهام الهی، مادرش او را در صندوقی قرار داد و در نهر انداخت. نهر او را آورد در کاخ فرعون و فرعونیان او را گرفتند. فرعونیان دنبال چنین افرادی می‌گشتند. چون فرعون شنیده بود که فرزندان بنی اسرائیل برای او خطر جدی محسوب می‌شوند از این رو، بچه‌های پسر را می‌کشت. از آنجایی که همسر فرعون نازا بود و بچه دار نمی‌شد، او همین که چشمش به این طفل افتاد، آنچنان محبت او در دلش افتاد که بی تاب شد و به شوهرش گفت: مبادا این طفل را بکشی او را نگه دار تا فرزند ما شود. ما که بچه نداریم، این طفل فرزند ما می‌شود و چشم من و تو با او روشن می‌شود: وَقُرَّتْ عَيْنِي لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ

عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَكْدًا» (قصص / ۹) بنابراین ، موسی علیه السلام برای فرعون و زنی چشم روشنی است!

در این آیه هم ، مؤمنان و عبادالرحمان از خدا می خواهند که خدایا فرزندان ما به گونه ای باشند که مایه ی چشم روشنی ما باشند. هیچ نگرانی ای از آنان نداشته باشیم . همین که نگاهمان به آنان می افتد ، شاد شویم ، هر چند فرزند خوب ، نور چشمی محسوب می شوند، اما محبت به آنان باید در حد اعتدال باشد. اعتدال یعنی حد وسط و کمی، یعنی محبت به گونه ای باشد که اگر با تکالیف الهی تزاخم پیدا کرد، محبت فرزند بر محبت خدا فائق نیاید و مانع انجام تکلیف الهی نشود.

بنابراین، در محبت به همسر و فرزندان توجه به نکاتی چند ضروری است: اولاً در بعضی جاها تأکید شده که مواظب باشید گاهی زن و فرزندان می توانند دشمن شما باشند خیال نکنید همین که یک رابطه ی عاطفی بین شما، زن و فرزندان برقرار شد ، همواره موجب خوشی زندگی و موجب برقراری دوستی و محبت و صمیمیت خواهد بود. قرآن می فرماید: « یا ایها الذین آمنوا ان من أزواجکم و أولادکم عدوا لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفر فان الله غفور رحیم » (تغابن: ۱۴) و یا می فرماید: « انما أموالکم و أولادکم فتنه و الله عنده أجر عظیم » (تغابن: ۱۵) اول هشدار می دهد که فکر نکنید همواره هر همسر و فرزندی، به طور مطلق ، موجب سعادت انسان است. نه گاهی ممکن است افرادی باشند که منافع شخصی و لذت مادی شان وقتی با لذت های همسر یا پدر و مادرشان تزاخم پیدا کند، خودشان را مقدم می دارند بنابراین، محبت به فرزند و زن، یا دوستان ، اگر در حدی باشد که مانع از انجام تکلیف الهی شود، مطلوب نیست و موجب سقوط انسان می شود . همین محبتی که نعمت بزرگ الهی است و موجب برکات و سعادت هایی در دنیا برای انسان می شود؛ اگر از حد اعتدال خارج شد، آثار ناگواری برای انسان پدید می آورد. (مصباح یزدی، ماهنامه معرفت، - شماره ۱۲۵)

#### ۴. نتیجه گیری

در این پژوهش به مفاهیم افزایش و ازدیاد جمعیت و باروری و ناباروری که از مقوله های مهم علم جمعیت محسوب می شوند پرداخته شد و در این میان، نظرات و دیدگاههایی که نسبت به هر یک در کتابهای آسمانی قرآن کریم و عهدعتیق وجود داشت بررسی گردید.

افزایش جمعیت مورد توجه تمام ادیان الهی بوده و تمام انبیاء (ع) و سفیران الهی به این امر اهتمام کامل داشته و مردم جامعه خود را تشویق و ترغیب به توالد و تناسل میکردند. از مجموع آیات این کتب مقدس به دست می آید که ادیان الهی نسبت به تکثیر اولاد در همه زمانها اهتمام داشته و اینچنین نبوده که این اهتمام مختص به زمانی باشد که ادیان در قلت باشند؛ زیرا تعبیر وارده در آیات به عنوان یک قضیه حقیقیه و به عنوان یک

سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است. از همین رو قرآن کریم وعهد عتیق نسبت به این موضوع توجه نشان داده‌اند.

در عهد عتیق خداوند بارها به بندگان برگزیده خود می‌گوید بارور و زیاد شوند و زمین را پر سازند. این کتاب بر آن تاکید دارد که پاداش خداوند به انسانهای نیکوکار، آن است که نسلشان را دوام دهد و بر تعداد و در نهایت قدرت آنها بیفزاید.

در قرآن مواردی از پیام خداوند مبنی بر اینکه زیاد شوید و زمین را پر سازید به چشم نمی‌خورد و خداوند در قرآن به صراحت درباره تکثیر نسل سخن نگفته، ولی از بعضی از آیات که به ازدواج و آمیزش جنسی اشاره کرده‌اند می‌توان ضرورت ایجاد نسل و فرزند آوری را بیان داشت. از جمله موارد اثبات مطلوبیت فرزند و فطری بودن آن، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که این مهم را تایید می‌کنند، مانند آیاتی که بیانگر دعا‌های انبیای الهی در مورد درخواست از خداوند متعال مبنی بر خواستن فرزند می‌باشد. در ذیل به برخی از این آیات اشاره می‌شود.

در قرآن کریم اصل وجود فرزند به عنوان نعمت الهی، (نحل ۷۲) متاع دنیا، (آل عمران ۱۴) زینت زندگی، (کهف ۴۶) یاری رساننده به پدر و مادر (اسراء ۶) مطرح گردیده است و داشتن فرزند صالح به عنوان آرزوی پیامبران الهی (آل عمران ۳۸) نور چشم بندگان خاص خدا (فرقان ۷۴) و سبب بشارت خداوند (هود ۷۱؛ حجر ۵۳-۵۱) بیان شده است

در پایان ذکر این نکته ضروری می‌رسد که نظرات مطرح شده در قرآن بر رشد جمعیت متناسب تاکید دارد. از منظری دیگر اگر چه قرآن نیز مانند سایر کتب آسمانی مساله تکثیر نفوس را ارجمند میدانند اما بطور مستقیم و روشن بر وضعیت و کیفیت جمعیت اشاره دارد. به سخن دیگر به افزایش جمعیتی صالح، نیکوکار و با تقوا تاکید شده است تا افزایش بی حد و حصر جمعیت.

## منابع

### قرآن کریم

اشرفی، عباس (۱۳۸۵)، عبادات در ادیان ابراهیمی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

کتاب مقدس (ترجمه تفسیری)، (۱۹۹۵م)، انجمن بین المللی کتاب مقدس، انگلستان.

شهبازیان، کیومرث، فلاحیان، فتانه، درسنامه جمعیت و تنظیم خانواده، چاپ اول، نشر آئیز، تهران، ۱۳۸۵.

شیخی، محمد تقی، جمعیت و تنظیم خانواده، شرکت سهامی انتشار، اول ۱۳۷۹ش.

صادقی، رسول (۱۳۸۸)، جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش ها، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیت آسیا و اقیانوسیه

طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی - قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.  
طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو - تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش  
عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاوشی، «تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست های جمعیتی در ایران» (۱۳۹۰)،

فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.  
فراماسونری و یهود - گروه تحقیقات علمی، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۹

قرائتی محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش  
قرشی سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت - تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش  
کتابی، احمد، (۱۳۷۷)، درآمدی بر اندیشه و نظریه های جمعیت شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم، تهران.

کلاتری، صمد و ستار صادقی ده چشمه، «برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه» (۱۳۸۵)

ماضی، محمد، سیاست و دیانت در اسرائیل، انتشارات سنا، ۱۳۸۱، چاپ اول، تهران  
مراغی احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی - بیروت.

جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ویرایش: سعید بند علی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول ۱۳۸۵ ش  
مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

## مقالات

کیانی، رضا؛ مطلوبیت کثرت نفوس و باروری در عهد عتیق (تورات) و مقایسه آن با عهد جدید (انجیل) فصلنامه جمعیت، - شماره ۶۷ و ۶۸، بهار و تابستان ۱۳۸۸

کیانی، رضا؛ بررسی مفهوم باروری از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه جمعیت، - شماره ۷۳ و ۷۴، صص ۱۲۶-۱۱۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۹

مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق و عرفان، ماهنامه معرفت، سال هفدهم - شماره ۱۲۵ - اردیبهشت ۱۳۸۷

## سایتهای اینترنتی



اجلال زهرا؛ نگاه اسلام به کنترل نسل یا تکثیر آن! بخش اخلاق و عرفان اسلامی سایت تبیان.  
توماس مک‌الوین، عقاید شیعه در کتاب مقدس: سخنرانی‌های لندن: ازدیاد نسل اولین فرمان تورات، ترجمه:  
احمد عبدا...زاده مهنه، گفتگو با سایت قدس آنلاین، ۲ تیر ۱۳۹۳، کد مطلب : ۲۲۴۸۱۲